

نگاهی به کتاب

«بلیت فروش ایستگاه آخر خط یک مترو»

داستانک‌هایی از جنس کوه یخ

برخی صاحب‌نظران ادبیات داستانی جهان معتقدند نقطه عطف تأثیر‌گذاری ارنست همینگوی، نویسنده معروف جهان در ادبیات مدرن، تئوری‌ای بود که خود او در داستان نویسی دنیا ابداع کرد. تئوری «کوه یخی» شیوه‌ای نوین در روایت بود که باعث می‌شد نوشته‌ها کمتر شوند و قوه تخیل خواننده شعله‌ور شود.

ویژگی بارز داستان‌های کوه یخی بیان نشدن بخش بزرگی از داستان و سپردن آن به مخاطب برای بیشتر فکر کردن و کنجکاو شدن است.

همینگوی این‌گونه داستان‌های کوتاه را به کوه یخی تشبیه می‌کرد که حجم بیشتر آن در زیر آب پنهان است و می‌گفت شکوه حرکت کوه یخ تنها در همان یک‌هشتم روی آب است که دیده می‌شود. مجموعه داستانک‌های پرویز شیشه‌گران یا فلش فیکشن‌هایی که در کتاب «بلیت فروش ایستگاه آخر خط یک مترو» قرار داده بسیار به سبک کوه یخی شبیه و نمونه بارز این گونه داستان‌ها هستند.

نویسنده تا آنجا که توانسته در نوشتن داستانک‌هایش قید توصیفات و تشریحات اضافه را زده و به اصل ماجرا و پیرنگ آن پرداخته است و شروع و پایان تأثیر گذار داستان‌ها گواهی روشن بر این سبک از نوشتن است.

«رؤیا»، «همسایه دست چپی»، «نفر پنجم»، «غریبه»، «مادر بزرگ»، «ایستگاه» و… چند تا از داستانک‌های این مجموعه هستند که همگی با درونمایه جنگ نوشته شده‌اند. هر کدام از داستان‌ها برشی از زندگی رزمنده‌ها و دقایقی از زندگی مردم در زمان جنگ و بعد از جنگ را برای ما به تصویر می‌کشد که خواندن آنها نت تنها ما را خسته نمی‌کند بلکه ما را به کنجکاوی هم وامی‌دارد.

در داستان «بلیت فروش ایستگاه آخر خط یک مترو» که موضوعش به سال‌های پس از جنگ برمی‌گردد با جانبازی روبه‌رو هستیم که در از دحام و شلوغی مسافران داخل یکی از متروهای تهران به دلیل مشکلات تنفسی ناشی از صدمات جنگ به اکسیژن احتیاج دارد و قبل از رسیدن اکسیژن تمام می‌کند. این داستان شروع تأثیر گذار و متفاوتی دارد: «یک، پنج، یک بفرمایید… بخشید اوزون‌را؟ بله بفرمایید

اینجا به نفر نیاز فوری به اکسیژن داره…»

در اینجا نویسنده به جای اینکه لحظات تماس جانباز با اوزون‌را را تشریح کند، آن را در قالب دیالوگ به تصویر کشیده است تا پامش را سریع‌تر به مخاطب منتقل کند تا به شروع داستان «غریبه» اینگونه می‌خوانیم: «یک دو سه، لیجند بز… ناگهان دود همه جا را می‌گیرد… به شدت زمین می‌خورم… اسلحه از دستم می‌افتد و اکبر را نمی‌بینم. کسی به غریب چیزی می‌گوید. نمی‌فهمم. لگدی به صورتم می‌خورد…»

این شروع، خود-خود برای مخاطب کنجکاوکننده و جست‌وجوگرانه و تأثیر گذار است یا داستانک «پستگاه» این‌گونه آغاز می‌شود: «طلوع آفتاب بود. زن پلک‌هایش را باز کرد. مرد ایستاد. زن نشست. سربازها یک به یک سوار شدند. نگاه زن و مرد به ریل قطار افتاد. صدای سوت قطار بلند شد. مرد بندپوشین‌هایش را گر زد…»

یکی از ویژگی‌های بارز داستان‌های کوه یخی تصویری بودن آنهاست، به خاطر همین همینگوی این شانس را داشته است که از روی اکثر داستان‌های او فیلم‌های متعددی ساخته شود. پس نویسنده موفق کسی است که با کم‌ترین جملات تصویری‌ترین صحنه‌ها را خلق کند و خواننده را هم راضی نگه دارد.

پرویز شیشه‌گران در این مجموعه این کار را کرده و داستان‌های خوشخوانی هم تحویل مخاطب داده و نقطه عطف داستان‌های این کتاب هم شروع در خشان و پایانبندی تأثیر گذار آنهاست.

تنها نکته‌ای که نباید از آن گذشت این است که ما در داستان‌های کوه یخی نباید از فضاسازی اطرافمان غافل باشیم و فقط قمر را تعریف کنیم.

ساختار داستانک‌های این کتاب بر اساس همان تئوری کوه یخی نوشته شده اما در این کتاب نویسنده حواسش به فضا سازی نبوده و در برخی داستانک‌ها خاطر اول قسه را تعریف کرده و سریع رد شده است. این کتاب کم‌حجم در ۴۳ صفحه توسط انتشارات امیر کبیر منتشر شده است.

نولیزویون

رامبد جوان از نویسندگان عذرخواهی کرد

من و تیم «خندوانه» بی‌ملاحظگی کردیم

چرا نه تنها واکنشی درخور به سخنان فیروز کریمی نشان نداده بلکه با خنده‌های پی در پی به نوعی این سخنران را تأیید کرده است. برنامه خندوانه با حضور خداد عزیزی و فیروز کریمی به طور عادی یکی از پربیننده‌ترین قسمت‌های این برنامه برطرف‌دار را به خود اختصاص داده است و همین پربیننده بودن سبب می‌شود انتظارات از رامبد جوان به عنوان مجری برای کنترل میهمانان بی‌منا نباشد، با این حال به نظر می‌رسد خنده رامبد جوان را باید به حساب سهل‌انگاری او در مدیریت میهمانان برنامه‌گذاشت، نه غرض‌ورزی نسبت به جامعه نویسندگان. شب گذشته رامبد جوان در پیمای نسبت به آنچه در برنامه رخ داد عذرخواهی کرد. متن عذرخواهی رامبد جوان را در زیر می‌خوانید:

«سلام به اهالی قلم.

در برنامه خندوانه چهارشنبه شب در کنار دو مهمان محترم، لحظه‌ای پیش آمد که برای من غیرقابل کنترل شد و متأسفانه واکنش من تنها خندیدن بود. واقعا از پخش این لحظه هم بسیار متأسفم و این هم به خاطر بی‌دقتی و بی‌ملاحظگی من و تیم خندوانه و تیم پخش شبکه نسیم است. اینجانب از همه اهالی کتابخوانی در هر موقعیتی که داشتم‌ام و خواهم داشت، دریغ نکرده و نخواهم کرد. در اولین ضبط برنامه «خندوانه» در برابر این قشر بزرگ و اندیشمند و درد کشیده عذرخواهی خواهم کرد.»

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران	
 صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴ روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸،نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir	
 روزنامه جوان شماره ۶۲۰۷ یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۴ شوال ۱۴۴۲ اذان ظهر: ۱۳:۰۱ غروب آفتاب: ۲۰:۰۳ مغرب: ۲۰:۲۳ نیمه‌شب‌شروعی: ۰۱:۰۱ اذان‌صبح فردا: ۰۴:۱۹ طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۸	

خنسی سینما!

سیاست تشویق و ترغیب سازمان سینمایی به تولید فیلم‌های موسوم به هنر و تجربه

موجب پشت اکران ماندن انبوهی آثار شده است که به گفته جمال ساداتیان به درد اکران نمی‌خورند!



جواد محرمی

سیدجمال ساداتیان معتقد است بسیاری از فیلم‌های مانده در صف اکران، قابلیت جذب مخاطب به سینما را ندارند.

سینمای ایران برای آنکه رابط‌اش با مخاطب به طور کامل قطع شود، گویا فقط نیاز به شوک کرونا داشت و پس از یک‌سال و اندی از ورود کرونا به ایران و تعطیلی کامل سینماها اعتراف قابل تأمل تهیه‌کننده سابقه‌ی سینمای ایران به اینکه اغلب فیلم‌های ساخته شده به در اکران نمی‌خورند، به خوبی از وضعیت حال حاضر هنر محفتم در ایران رونمایی می‌کند.

سینمای ایران تحقیقا به خنسی خورده است آسفانه برای رونق گرفتن پس از کرونا بر گهای برای رو کردن ندارد. پیش از کرونا نیز طبق آمار تنها ۲درصد مردم مخاطب سینمای ایران بودند اما با شیوع کرونا این احتمال می‌رفت که مردم فیلم‌ها را در خانه و به صورت آنلاین تماشا کنند اما به جز یک استثنا به نام «شنای پروانه» فیلم‌های اکران شده آنقدر زور نداشتند که مردم را به دست در جیب کردن ترغیب کنند. حالا که دولت وعده واکنش‌پاسیون همه مردم را تا پایان سال داده و به تازگی طبق مصوبه اخیر ستاد ملی مقابله با کرونا مشاغل گروه ۲ از جمله سینماها مجوز فعالیت گرفته‌اند، برخی سالن‌های سینما از تعطیلی رها شده‌اند و به طور عادی نیاز به چند فیلم تماشاگر پسند و مهم ضروری به نظر می‌رسد اما دست سینمای ایران خالی‌تر از آن است که از درون قطار آثار پشت اکران مانده چند برگ برنده رو کرده و مردم را تهییج به سینما رفتن کند.

در این وضعیت سینما همه ظرفیت خود را به سمت شبکه‌نمایش خانگی و تولید سریال برده است.

این صحنه‌ای واقعی از وضعیت حال حاضر سینماست که دیروز سیدجمال ساداتیان به آن اعتراف کرد: «حضور در شبکه خانگی به اضطراب برهم خوردن معاملات به خاطر شیوع کروناست، وگرنه سینما همچنان کارگر تر خود را دارد، چراکه سینما را نباید به عنوان جایی برای تماشای فیلم در نظر گرفت!

سینما یک مقصد گردشگری است! و مردم به بهانه سینما از خانه بیرون می‌آیند تا چند ساعت از زندگی خود را به خوشی بگذرانند.

حکمت

پیامبر(ص):

ملعون (از رحمت خدا به دور)

است کسی که باړ خود را بر مردم

افکند.

«گزیده تحف العقول»

نما حسین کشتار



نقد

«دختران کابل» پرپر و انسان دوستی سلبریتی‌ها پر!

مصطفی شاه‌کرمی

دختران کابل جدای از اجبار در اکران فیلم‌های بی‌کیفیت بی‌تردید معلول سیاست تشویق و ترغیب سازمان سینمایی در تولید انبوه فیلم‌های موسوم به هنر و تجربه است، با این حال فضای مجازی فرصتی را برای تولید آثار نمایشی ایجاد کرده که بخش مهمی از انرژی و ظرفیت سینما را به خود مشغول کرده است. ساداتیان می‌گوید: «به دو دلیل فکر می‌کنم باید وارد کار در این حوزه ششوم؛ اول اینکه به نظرم بعضی کارهایی که در شبکه نمایش خانگی وجود دارند از استاندارد خوبی برخوردار نیستند، در حالی که می‌توان کارهای باکیفیت بهتری انجام داد و استاندارد تولید نمایش خانگی را به لحاظ موضوعی و تکنیکی تغییر داد. نکته دوم هم این است که به هر حال در این صنف کار می‌کنم و دوست دارم در شبکه نمایش خانگی کار قابل قبولی ارائه کنم.»

گیشه تعطیل سینماها در روز بازگشایی

اما بازگشایی سینماها در هفته گذشته آنقدر بی‌رمق اتفاق افتاد که برخی سینماها‌ها از آن استقبال نکردند و همچنان ترجیح دادند برای رسیدن به ثبات در سینما انتظار بکشند، به علاوه اینکه در همین یک سال و اندی گذشته خبر تعطیل شدن برخی سینماهای مهم و خاطره‌انگیز قدیمی نیز به گوش رسید. در واقع باز و بسته شدن‌های بی‌پای سالن‌ها، نبوده مخاطب و فیلم جذاب چندان رغبتی را برای سینماداران باقی نگذاشته تا از فرصت بازگشایی استقبال کنند.

در این باره علی سرتیپی که مدیر چند مجموعه سینمایی در تهران است، هفته پیش با بیان اینکه هیچ کدام از سینماها هنوز از ۱۸ اردیبهشت‌ماه باز نمی‌کنند، به ایسنا می‌گوید: «فعلا یکی دو روز منتظر می‌مانیم تا ببینیم برای برخی سلبریتی‌های وطنی که تلاش زیادی برای ادراک‌سازی گزاره جهان وطنی‌مورد پسندشان در بین مردم دارند، شنبه هفته گذشته مدرسه دخترانه سیدالشهدای غرب کابل هدف حمله خودروی بمب‌گذاری شده قرار گرفت و ۵۵ نفر که بیشترین آنها دانش‌آموزان دختر این مدرسه بودند، کشته و ۱۵۱ نفر دیگر هم زخمی شدند.

واقعیت این خبر دامنه بسیار وسیع‌تری از جغرافیای کشور افغانستان و شهر کابل را دربر گرفته که در نقاط وجدان‌نمایی و تبلی السرائری شد برای کسانی که همچنان در نگاهشان دنیا و مردمانش در یک تقسیم‌بندی متفرعانه در سه سطح جهان اول، دوم و سوم توزیره شده‌اند. در واقع انحراف و تئوریهایی که همه‌آمال و آرزوهایش در چرخان و ژله‌ای بنا گذاشته شده تا حسب یک عهد‌ناوشته بین آنها و سلسله‌گردان‌های غربی نسبت به اتفاقات واکنش نشان بدهند. مثلا مهم است که هدف انفجار و اقدام تروریستی جماعت، کیمه امال و ایتالیا و امریکا و غربی‌های موور و چشم آبی باشد یا مردمان مظلوم و بی‌پناه کشورهای مانند یمین، افغانستان، پاکستان، عراق، لیبی، سوریه و فلسطین و امثالهم! چه اینکه محل و جغرافیای وقوع انفجار و کشتار در نوع و سطح واکنش آنها نقش حیاتی دارد، حتی در مواردی کیش و مذهب مردم مورد حمله قرار گرفته شده هم لحاظ می‌شود! یعنی حقوق بشر و نوع‌دوستی و انسانیت بشرطها و شروطها!

رادیو

در گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان رادیو مطرح شد

آفت‌های تعجیل در نگارش متن



اصلی و باکیفیت تأکید و تا تمرکز کامل و داشتن زمان کافی بر این متون دقت شود، حتماً نتیجه نهایی کار بالاتر خواهد رفت و به جایی می‌رسیم که یکسری نمایش جذاب و درجه اول را در رادیو خواهیم داشت. یزدانی که در کتاب صوتی «ترس ترامپ در کاخ سفید» جای ۵۵شخصیت مختلف صحبت کرده است، اظهار داشت: محسن سوهانی، مدیرکل هنرهای نمایشی رادیو‌قول‌هایی در جهت بازنگری درباره مشکلات نگارش متن در رادیو داده است که امیدواریم محقق شود تا نویسندگان با خیال راحت بتوانند به تولید متن بپردازند.

این بازیگر و کارگردان رادیو ابراز امیدواری کرد: باید با نقد صحیح و به فکر برداشتن موانع نویسندگی باشیم و امیدوارم مدیران هنری با عهده‌ها به پناه کوتاهی متن، دستمزد چندانی به آنها تعلق نگیرد. حمید یزدانی که در دوران کرونا دو نمایش رادیویی «فرهمان بدر» و «فرمانده قاسم» را درباره زندگی سردار سلیمانی بازی کرده است، خاطرنشان ساخت: هر قدر روی نگارش متن‌های

توجه به عنصر زمان در نگارش متن، بسیار مهم است و اصلاً روا نیست که در واسپاری کار برای تولید متن، نویسندگان را وادار به تعجیل کنند.

حمید یزدانی، بازیگر و کارگردان سابقه‌ی رادیو با بیان این مطلب به «جوان» گفت: نمی‌شود که برای نگارش یک فیلمنامه ۹۰دقیقه‌ای فقط ۹۰دقیقه به نویسنده وقت داد و برای اعطای دستمزد هم فقط دستمزد ۹۰دقیقه کار را در نظر گرفت. یزدانی با اشاره به چالش‌های پرداختن به نمایشنامه‌های کوتاه در رادیو تصریح کرد: موقعی که به یک نویسنده در رادیو گفته می‌شود باید یک متن کوتاه برای نمایش ۱۰دقیقه‌ای بنویسد یا چالش‌های جدی در کارش روبه‌رو می‌شود و شروع نکرده باید داستان را تمام کند. این کارگردان رادیو تأکید کرد: مسئله تعجیل در نگارش متن، تأثیرات منفی زیادی روی نمایشنامه‌های رادیویی داشته و باعث شده است کارها به سمت کلیشه‌گرایی برود و مخاطب همچنان که باید با کارها ارتباط نگیرد. حمید یزدانی تأکید کرد: در همه جای دنیا چنین رویکردی وجود دارد که از قصه‌هایی برای داستان پردازی رادیویی استفاده می‌شود که برای نوشتن زمان زیادی صرف می‌شود ولی در اینجا مدام عجزولانه، متن کوتاه می‌خواهند.

این کارگردان گفت: متن‌های کوتاه عجزولانه علاوه بر چالش‌های افت کیفیتی آثار، جنبه اقتصادی منفی هم برای نویسندگان دارد و باعث می‌شود به پناه کوتاهی متن، دستمزد چندانی به آنها تعلق نگیرد. حمید یزدانی که در دوران کرونا دو نمایش رادیویی «فرهمان بدر» و «فرمانده قاسم» را درباره زندگی سردار سلیمانی بازی کرده است، خاطرنشان ساخت: هر قدر روی نگارش متن‌های